

باوری نا سالم

در مصاحبه بی بی سی با اعلیحضرت

امیرفیض- حقوقدان

در مصاحبه بی بی سی با اعلیحضرت که پس از انتخابات صورت گرفت؛ اصرار اعلیحضرت متوجه موضوعی بود که بنظر موجه نیست.

خلاصه اصرار اعلیحضرت که بی بی سی از ایشان بعنوان ولیعهد سابق یاد کرد این است که جمهوری اسلامی از راه انتخابات اصلاح پذیر نیست.

اگر مقصود ایشان از اصلاح، کسب مشروعیت جمهوری اسلامی باشد اصرارشان وارد است. زیرا جمهوری اسلامی از طریق انتخابات به مشروعیت نمیرسد والا اگر اصلاح، به معنای متعارف اصلاحات باشد اصرارشان ناسالم است.

دلیل ابرازی اعلیحضرت این است که این نظام در ۴۰ سال گذشته کاری نکرده و کشور و معیشت مردم را بسیار هم پانین آورده است، این اظهار درست در حالی است که خود اظهارکننده اعتراف دارد که در مدت ۳۰ سال گذشته کاری برای نجات ایران نکرده است (رطب خورده منع رطب چون کند) و علاوه بر آن موقعیت ایشان در تمدن نسبت به قانون اساسی و سوگندی که یاد فرموده اند موضع ایشان را در این اعتراض بسیار ضعیف ساخته است.

دلیل اصلی که مطمح اعلیحضرت نیست

دلیل مهم و علت مشهودی که متأسفانه در نظرات اعلیحضرت مفقود است این است که نظام جمهوری برخاسته از فرهنگ و منش و سنت ایرانی نیست و تحمیل یک نظام به ملتی که ۲۵۰۰ سال با نظام سلطنتی خو گرفته نمیتواند کارساز نیامندی های مردم باشد و نتیجه اش همین میشود که در جمهوری اسلامی ناظریم، و با مقایسه آن با دوران سلطنت مشروطه شاهان پهلوی حکم و قضاوت تاریخ صریح و روشن خواندنی است.

از آنجا که نوع نظام از سلطنتی و جمهوری از نظر اعلیحضرت بی تفاوت است لذا نمیتوان مشکل بزرگی را که یاد شد در این بحث مطرح ساخت، لذا علت درماندگی جمهوری اسلامی که به تغییر ناپذیری آن تعبیر شده است متوجه دو امر است:

یکی، نبود قوانین مترقی و لازم و دیگری مسئولین لایق و کارآمد و درست و منظم.

هردوی این دو رکن معتبر برای حرکت یک کشور و نظام به سوی ترقی و امنیت و رفاه و کسب موقعیت بین المللی و رعایت حقوق بشر مرهون تشکل مجلس است که نمایندگان آن اولاً معتقد به ترقی و تکامل ملت

و کشور باشند و دوم با وضع قوانین مناسب و انتخاب اشخاص لایق، قلمرو پیشرفت کشور را فراهم سازند.

در بنای قاعده بالا، جمهوری اسلامی با دو مشکل مواجه هست؛ اول قانون اساسی آن کشور که هر چه باشد مانعی است در تحولاتی که کشور نیاز دارد و همچنین مشکلی است در جهان شمولی جمهوری اسلامی که به اعتبار احکام اسلامی و قانون اساسی تبعیت از آنرا لازم میدانند.

در این مورد یاد آوری بجاست که تشکیل جنبش اتحاد ملی در سال ۱۳۸۳ با دست اندر کاری داریوش همایون و محسن سازگارا که برای اولین دفعه اعلیحضرت و علیاحضرت آنرا امضا کردند؛ آقای سازگارا سخنگوی آن جنبش گفت: < کمیته اقدام برای همه پرسى هدفش تغییر قانون اساسی است نه لغوونه تغییر کل نظام > مشروح درسنگراول دیماه ۱۳۸۳

مقصود از استناد بالا این است که اصلاح نظام جمهوری اسلامی از طریق اصلاح قانون اساسی راهی است که در سال ۸۳ مورد تائید و حمایت اعلیحضرت بوده است.

حاشیه = در مورد ذکر نام اعلیحضرت و علیاحضرت در فراخان جنبش، روزنامه شهروند کانادا شماره ۹۴۳ سوالی را از سازگارا مطرح کرده که پاسخ آن فراموش نشدنی و بازگو کننده خیلی چیزهاست.

پاسخ سازگارا چنین است: < نام آن افراد برای تعدادی از مردم جذاب است و این بدان معناست که بعضی از روی بی فرهنگی به اعتبار نام های افراد سرشناس امضا میکنند >.

(همان سنگرافحه سوم)

باز هم نسخه آفریقای جنوبی و صربستان

اعلیحضرت در این مصاحبه باز هم مبارزه را حواله میدهند به نسخه آفریقای جنوبی و صربستان و لهستان و نتیجه میگیرند که مردم آنها با مبارزه مدنی به پیروزی رسیدند.

صرفنظر از اینکه الگوی مبارزه هرملتی رافرنهنگ آن کشور تدوین میکند نه فرهنگ

کشور دیگری اما کیست که نگویید؛ شرکت **اصلاح طلبان** که شورای تجزیه طلبان و رئیس وابسته به آن است در انتخابات که موفقیت نسبی سنگینی بدست آورده اند بهترین نوع مبارزه مدنی علیه جمهوری اسلامی است. آنها یعنی اصلاح طلبان با داشتن رئیس جمهور و کرسی های تهران دارای برتری و حاکمیت بر مجلس اسلامی خواهند بود و این همان است که اعلیحضرت میخواستند و میخواهند.

مجلسی ابراز قاطع تغییرات

مجلس میتواند خیلی راحت خواستار تجدید نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی بشود و در جریان اصلاح قانون اساسی آرتیکل های مزاحم که باموازین حقوق بشرومنشور سازمان ملل سرناسازگاری دارد و از جمله ولایت فقیه و تعلق حق حاکمیت مردم، تجدید نظر کند و در راستای این اقدام که حق مردم شناخته میشود با انتخاب افراد لایق و کاردان مانند آجی نازیلا! کشور را به مسیری که مورد نظر رئیس

آجی است بویژه از نظر سیاست خارجی و فدراتیو کردن کشور و اجرای ماده ۱۱ قطعنامه هدایت کنند و همان اصلاحاتی که خیال میکنند اکنون انجام پذیر نیست در همین جمهوری اسلامی منهای ولایت فقیه و با قانون اساسی دیگری اصلاحات مزبور را خیلی وسیع تر انجام بدهند.

اشکال در کجاست

اشکال این جریان در کجاست که اعلیحضرت اصلاحات را در جمهوری اسلامی ممکن نمیدانند؟ اگر اعلیحضرت به قائمه تاثیر فرهنگ تاریخی و هویت ملی و ریشه های پادشاهی در ایران معتقد نباشند که نیستند، و تا آنجا رفته اند که فرهنگ ایرانی را با خرده شیشه مقایسه فرموده و توصیه تغییر آنرا مینمایند؛ بفرض هم که این جمهوری برود و جمهوری دیگری باید چه تفاوتی دارد با تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی کنونی؟ مگر اینکه معتقد باشیم که اساسا جمهوری متناسب با قواره ایرانیان نیست و اصلاحات در نظامی که با فرهنگ و هویت ملی ایرانیان مانوس نباشد اساسا ممکن نمیشود.

موقفیت تحریم انتخابات از طرف رئیس شورا

درست است که اعلیحضرت بعنوان رئیس شورا انتخابات را ضمنی تحریم فرموده اند ولی این نظر شخصی خودشان است و نمیتواند کار سیاسی محسوب گردد. چراکه هم خوشان و هم شورایشان وابسته به جنبش سبز و اصلاح طلبان است و تبعیت افراد حزب از سیاست حزب (اصلاح طلبان) که شرکت در انتخابات بوده است نمیتواند بتمرد کشیده شود و رسم کار این است که فرد (رئیس شورا) یا از شورا کناره گیری میکند و بعد در مقام تحریم انتخابات برمیآید و یا اعلام کناره گیری شورا از جنبش سبز (اصلاح طلبان) را اعلام و در حالت انشعاب، نسبت به عدم مشارکت در انتخابات اعلام برنامه میکنند.

از آنجا که این روش و عرف معمول فعالیت های دسته جمعی سیاسی از جانب رئیس شورای تجزیه طلبان رعایت نشده تحریم ایشان نسبت به انتخابات یک امر شخصی محسوب است.

موقعیت کنونی اصلاح طلبان

هم اکنون اصلاح طلبان که جنبش سبز و رئیس شورای تجزیه طلبان از هواداران سرسخت و مشهور آن هستند با موفقیت بزرگی در مجلس اسلامی روبروست و اگر رئیس و شورایش خواستار اصلاحات باشد مسیر قانونی برای حرکت اصلاحات و از همه مهمتر برداشتن موانع و تفویض حق حاکمیت مردم فراهم است و چنانکه ملاحظه میشود هنوز مجلس جدید افتتاح نشده بوی الرحمن شورای نگهبان ولایت فقیه احساس شدنی است. شیخ حسن گفته است دولت و مجلس کشور را پاکسازی خواهند کرد (خطاب واقعی اصولگرایان هستند) - آزادی میرحسین موسوی و کربوبی سران جنبش سبز در، درخواست جدی اصلاح طلبان قرار گرفته است - رفع محدودیت از آرامگاه مصدق هم امروز درخواست شده است. اینها و نمونه های بسیار از صدقه سرپیروزی اصلاح طلبان و شورای تجزیه طلبان و رئیس آن در انتخابات است دیگر چگونه میتوان ادعا کرد که با این رژیم، اصلاحات ممکن نیست؟ اگر با این موفقیت در مجلس و داشتن رئیس جمهور اصلاحات ممکن نیست پس با کدام رژیمی اصلاحات ممکن است؟

براندازی

از فحوای کلام اعلیحضرت چنین مستفاد میگردد که ایشان اخیرا براندازی جمهوری اسلامی را راه ممکن برای شروع اصلاحات میدانند و جرقه های این باور تازه ایشان هم دربیانیه بمناسبت انتخابات که نکات فلسفی آن مورد نقد قرارگرفت زده شده است.

ولی نه درآرمان نامه معرفی شده دربیانیه، به براندازی جمهوری اسلامی اشاره ای شده و نه اصلا در قطعنامه شورای تجزیه طلبان از اهداف شورا معرفی شده است. با این توجه که بتمام اعتراضات ایرانیان که چرا قطعنامه شورا در مورد براندازی جمهوری اسلامی ساکت است بی اعتنائی شد، و این بدان معناست که **فکر براندازی یک فکرو صحبت القانی و شخصی اعلیحضرت است که دوام و بقانی ندارد** و حتی ایشان در همین مصاحبه با بی بی سی هم حاضر به استفاده از واژه براندازی جمهوری اسلامی نشدند <باین پاورچین، پاورچین نمیتوان رفت به چین و ماچین>.

شاهد تاریخی

تاریخ مبارزه ایرانیان سلطنت طلب خارج ازکشور نشان میدهد که اعلیحضرت در چند سال نخست، براندازی جمهوری اسلامی را هدف داشتند که درپاریس فرمودند: <امید وارم براندازی جمهوری اسلامی ۷۲ ساعت بیشتر طول نکشد> و پس از آن همواره از تغییر رفتار رژیم صحبت داشته اند نه براندازی از جمله:

*** در سال ۱۳۷۴ با وضع سناریوی جدید فرمودند: <هدف سناریو تغییر وضع است نه تغییر رژیم>.

*** در سخنرانی موسسه تحقیقاتی هادسن فرمودند: <تغییر رژیم و تغییر رفتار رژیم بی تفاوت است>.

(سنگر ۱۵ اردیبهشت ۸۶)

*** اظهار نظرهای بالا همزمان با نوشته نشنال تایمز بود که نوشت: <تغییرات دموکراتیک عنوانی است برای جلب حمایت کشورهای اروپایی، لندن و واشنگتن بر روی یک استراتژی باهدف ارتقای تغییرات دموکراتیکی در ایران کار میکنند>.
(کیهان لندن ۱۱۰۳ و سنگراول اردیبهشت ۸۶)

*** مقارن همین احوال بود که وزیر دفاع آمریکا گفت: <آمریکا درصدد اجرای طرح تعویض رژیم اسلامی نیست بلکه ترجیح میدهد که یک انقلاب داخلی این کار را برای آمریکا انجام دهد>.

(کیهان لندن ۹۱۰)

درست همین انتخابات که با مشارکت اصلاح طلبان نوکر آمریکا صورت گرفت انقلابی است برای تسلط آمریکا بر ایران که آمریکا خواهان و منتظر صورت یافتن آن بوده است - استناد بالا گواهی است بر وابسته بودن کم و کیف مبارزه ایرانیان با سیاست آمریکاست.

**** در مصاحبه با رادیو صدای ایران در رابطه با تغییر رفتار رژیم فرمودند: >کاری کنیم که رژیم به مردم کم، کم آزادی بدهد بالطبع در کنار آزادی؛ سازندگی نسبی کشور و دیگر مسائل وابسته از جمله مسائل و روابط بین المللی هم تامین خواهد شد.<** (مشروح درسنگر ۱۵ تیرماه ۷۸)

یعنی دقیقاً وضعی که از نتیجه انتخابات مجلس دهم پیش رو قرار گرفته است.

**** اقدام موثری که میتواند به کمک هم میهنان داخل کشور منجر شود ایجاد یک زمینه بحث و دیالگ است.** (مصاحبه رسانه های گروهی با اعلیحضرت)

یعنی خواست و نظر اعلیحضرت بر اندازی این نکتت تحمیل شده به ملت ایران نیست بلکه بحث و دیالگ و امثال آنها کافی است.

ایرادات به انتخابات

ایرادات اعلیحضرت به انتخابات فصل مشروحه است که شاید اشاره به مواردی از آن در رابطه با اصلاح رژیم بجاباشد.

اعلیحضرت به زندانیان و مطبوعات توقیف شده و خبرنگاران بازداشتی اشاره فرموده اند؛ آیا رهائی آن زندانیان از طریق فشار مجلس عملی و سیاق نوشته شده ممکن است و یا شکستن میله های زندان و آویزان کردن طنابها و یا بکار بستن نسخه های آفریقای جنوبی و لهستان؟ تردید نیست که راه مجلس یعنی همین راهی که اکنون شروع آن کاملاً مشخص است راهی است که میتواند خواستهای آمریکا و ایادی ایرانی آنها را به ثمر برساند. (کودتای خزنده بنفش رنگ- حکومت مهر و امید!!)

تکلیف و مکلف

البته که استفاده از مجلس برای تغییر و اصلاح رژیم یک حقیقت قابل قبول است ولی نه از سوی اعلیحضرت که تکلیف و ماموریت تاریخی برای حراست و پاسداری از گوه سلطنت ایران را قانوناً متقبل و بر تعهد آن سوگند یاد کرده اند.

به این بیان پرمعنا و با ابهت تاریخی اعلیحضرت توجه فرمائید تا عمق پریشانی ما و کژراهی های ایشان هویدا گردد.

> برای ما مسئله این نیست که چگونه از شر رژیم خلاص شویم باید تصمیم بگیریم که چه میخواهیم بکنیم و هدفمان چیست. در این مورد شک و تردید جایز نیست. در سلطنت مشروطه ما. آنطور که من میفهمم و آنطور که قانون اساسی ما حاکی است شاه ضامن قانون اساسی و تمامیت ارضی است و پادشاه سلطنت میکند نه حکومت <

(مشروح درسنگر ۱۹۶)

